



دوشنبه 21 اسفند 1396-23 جمادی الثاني 1439-12 مارس 2018

رحلت فقیه و دانشمند مسلمان ایرانی آیت الله "شیخ محمد صالح حائری مازندرانی" (1349 ش)

رحلت فقیه و دانشمند مسلمان ایرانی آیت الله "شیخ محمد صالح حائری مازندرانی" (1349 ش)
آیت الله "شیخ محمد صالح حائری مازندرانی" در حدود سال 1260 ش (1298 ق) در شهر مقدس کربلا به دنیا آمد. وی در ابتدا ادبیات عرب را فرا گرفت و دروس دیگر سطح و فلسفه و منطق را از محضر پدر و برادرش استفاده نمود. هنوز 15 سال از عمر محمد صالح نمی‌گذشت که "رساله غساله" را تألیف کرد و به مرحوم آخوند خراسانی عرضه نمود. آخوند با مشاهده این رساله و پی بردن به نبوغ و استعداد بی‌نظیر این نوجوان، وی را با خود به نجف اشرف برد، و پس از سالیانی در شمار شاگردان بزرگ آخوند گردید. ایشان همچنین از محضر بزرگانی همچون میرزا حسین خلیلی و ملا اسماعیل بروجردی فقه و اصول و حکمت آموخت و به مدارج والای علمی رسید. تلاش علمی و ذوق سرشار شیخ محمد صالح، توجه همه صاحب نظران را به خود جلب کرد، چرا که کتاب‌ها و رسایل زیادی را به تألیف درآورده بود و حتی در شانزده سالگی به درجه اجتهاد نائل آمد. آیت الله مازندرانی در 26 سالگی راهی بابل گردید و در آنجا به اقامه شعائر دینی و خدمات مذهبی مشغول شد و بعدها مرجع دینی بسیاری از مؤمنین قرار گرفت. شیخ محمد صالح در زمان رضاخان پهلوی، سخنان قاطعی در مسجد جامع بابل ایراد کرد و از حکومت و شخص شاه انتقاد نمود که به حبس وی در تهران انجامید. بر اثر این حرکت، قرار بر اعدام ایشان شد که به دلیل اعتراض شدید مراجع وقت، به آزادی و تبعید وی به سمنان منجر گردید و این عالم سترگ تا پایان عمر در سمنان اقامت گزید. از این عالم ربانی در حدود سیصد تألیف و رساله بر جای مانده که حکمت بوعلی در 5 جلد، سیماي ایمان، دیوان الادب و تاریخ معارف امامیه از آن جمله‌اند. این فقیه مجاهد سرانجام پس از عمری خدمت و تلاش و زندگی پربار، در 21 اسفند 1349 ش برابر با سال 1391 ق در سن 89 سالگی در سمنان به لقاء الله پیوست و پس از تشییع باشکوه، در جوار حرم حضرت ثامن (الحجج ع) به خاک سپرده شد.

صدور پیام حضرت امام خمینی درباره تحریم شرکت در حزب شاهنشاهی رستاخیز (1353 ش)

پس از تشکیل حزب شاهنشاهی رستاخیز در 11 اسفند 1353 و دعوت رژیم از مردم برای عضویت در آن و تهدید دستگاه جور به خروج از کشور برای کسانی که عضو حزب نشوند، حضرت امام خمینی که در آن زمان در نجف اشرف به سر می‌بردند، طی پیامی شرکت در این حزب دین‌ستیز را حرام و مکمل به استیصال مسلمین عنوان کردند. ایشان در این پیام فرمودند: "نظر به مخالفت این حزب با اسلام و مصالح ملت مسلمان ایران، شرکت در آن بر عموم ملت حرام و مکمل به استیصال مسلمین است و مخالفت با آن از روشن‌ترین موارد نهی از منکر است و چون این نغمه تازه که به دستور کارشناسان یغماگر برای اغفال ملت از مسائل اساسی از حلقوم شاه برخاسته تا کشور را بیش از پیش، خفقان زده کند و راه را برای مسائلی که در نظر دارند، باز نمایند، لذا لازم است حسب وظیفه تذکرانی بر همه باشد که ملت مسلمان، تا فرصت از دست نرفته، با مقاومت بیش از پیش و همه جانبه، جلو این نقشه‌های خطرناک را بگیرند. درباره این حزب به اصطلاح رستاخیز ملی ایران باید گفت این عمل با این شکل تحمیلی، مخالف قانون

اساسی و موازین بین‌المللی است و در هیچ یک از کشورهای عالم نظیر ندارد."
رحلت عالم ربانی آیت الله "محمود انصاری قمی" از علمای مشهور تهران (1363 ش)

آیت الله حاج شیخ محمود انصاری قمی در حدود سال 1300 ش (1340 ق) در خانواده تقوا و فضیلت در قم به دنیا آمد. او در ده سالگی پدر را از دست داد و تحت سرپرستی برادرانش، دروس اولیه را فرا گرفت. آیت الله انصاری در جوانی برای ادامه تحصیلات خود راهی حوزه نجف شد و از محضر آیات عظام: سید عبدالهادی شیرازی، سید محسن حکیم و سید ابوالقاسم خویی کسب فیض نمود. وی بعدها از این بزرگواران و عالمانی نظیر حضرات آیات: سید محمد رضا گلپایگانی، سید احمد خوانساری و حضرت امام خمینی (ره) اجازه اجتهاد و از شیخ آقا بزرگ تهرانی و سید شهاب الدین مرعشی نجفی اجازه روایت گرفت. او با آغاز نهضت اسلامی مردم ایران و دستگیری امام خمینی (ره) در سال 1342، در ترغیب و تشجیع علمای نجف به حمایت از امام راحل، نقش مهمی ایفا کرد و فعالیت زیادی نمود. ایشان در حدود سال 1343 ش به تهران آمد و به فعالیت‌های دینی و اجتماعی و امور خیریه پرداخت. آیت الله انصاری در کنار تأسیس دو مسجد و دو بیمارستان، در راه برطرف کردن مشکلات مردم تلاش فراوانی از خود نشان می‌داد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نمی‌کرد. آیت الله انصاری مورد وثوق و اعتماد بسیاری از مراجع تقلید بود و تعدادی از آنان، امر غسل و تدفین خویش را به ایشان محول کرده بودند. از این عالم خدمتگزار، تألیفات چندی بر جای مانده که برخی از آثار ایشان عبارتند از: تقریرات درس فقه آیت الله سید محسن حکیم و تقریرات دروس فقه، اصول و تفسیر آیت الله خویی. سرانجام آن خدمتگزار صادق دین در سحرگاه 21 اسفند 1363 ش برابر با 23 ذی قعدة 1419 ق در هفتاد و هفت سالگی بدرد حیات گفت و پس از تشییع باشکوه، در قبرستان شیخان قم به خاک سپرده

درگذشت "طاهر ذوالیمینین" از سرداران عباسی (207 ق)

طاهر بن حسین ذوالیمینین از سرداران نامی هارون و مامون عباسی است. وی از طرف مأمون، به مقابله با بنی عباسی، فرمانده امین عباسی رفت و او را شکست داد و بغداد را فتح نمود. از آن پس جزو خواص مامون به شمار می‌رفت و از هنگام رفتن مامون به بغداد، حکمران خراسان گردید. در اواخر خلافت مأمون، طاهر دعوی استقلال کرد و یک روز در خطبه و نماز جمعه نام خلیفه را حذف کرد. از آن جایی که مامون می‌دانست روزی طاهر دست به این کار خواهد زد، از مدت‌ها قبل غلامی را به او هدیه داد که در واقع جاسوس مامون بود و مأموریت داشت به محض آن که طاهر نام خلیفه را از خطبه حذف کرد، طاهر را به قتل برساند. پس از قتل طاهر، طلحه پسر طاهر حاکم خراسان شد.

امضای معاهده "قسطنطنیه" عثمانی، انگلیس و فرانسه (1854م)

در دوازدهم مارس 1854م معاهده تاریخی قسطنطنیه در شهر اسلامبول پایتخت عثمانی میان فرانسه، انگلستان و امپراتوری عثمانی منعقد شد. اساس این معاهده حفظ منافع کشورهای غربی بود و نه به نفع عثمانی. در حقیقت با توجه به حملات ارتش روسیه و اشغال بلغارستان و رومانی، دول اروپایی احساس خطر نمودند و براساس این معاهده الحاق دو بخش فوق به روسیه را نپذیرفتند. پس از امضای این معاهده، سه کشور مذکور در مقابله با توسعه طلبی روسیه تزاری در اروپا، به موفقیت‌هایی دست یافتند که پیروزی بر روسیه در جنگ کریمه، از آن جمله بود. این پیروزی به واسطه حمایت کشورهای اروپایی از جمله فرانسه و انگلستان به دست آمد و در نتیجه روسیه مجبور به خروج از مناطق اشغالی گردید.

شد.